

# لژ بیداری ایران

○ مجید بزرگمهری

۲۳۵

مقدمه

به رغم مطالعات متعددی که در زمینه مسائل تاریخ معاصر ایران صورت گرفته است، ولی هنوز زوایای بسیاری از تاریخ اجتماعی - سیاسی کشورمان در پرده ابهام باقی مانده است و نیازمند تحقیق و تفحص بیشتر است. نباید از یاد برد که بسیاری از تحولات امروز ایران، ریشه در گذشته بویژه در تاریخ معاصر دارد و ارزیابی دقیق و شناخت ریشه ای تحولات امروز، در پرتو جستجوهای موشکافانه، مبتنی بر اسناد و تحلیلهای منطقی از گذشته امکان پذیر است. ایران در قرن نوزدهم، بیش از هر دوره دیگر تحت تأثیر فرهنگ و جامعه روشنفکری فرانسه قرار گرفت و این تأثیر نه تنها در مقوله رواج زبانهای بیگانه در کشور جلوه گر شد، بلکه به نحو عمیق تری آثار خود را در ادبیات سیاسی و روشنفکری جامعه آن روز ایران بر جای گذاشت. تشکیلات فراماسونری ملهم و یا وابسته به لژهای خارجی، بویژه لژهای فرانسوی، موضوع قضاوتهای منفی و مثبت محققان قرار گرفته است. این مقاله می کوشد بدون پیش فرضی با تکیه بر اسناد موجود در آرشیو شرق اعظم (گراند اوریان) پاریس به تفصیل، وضعیت لژ بیداری ایران از زوایای مختلف بررسی شود.

به دو علت لژ بیداری ایران اهمیت ویژه ای دارد: نخست آنکه لژ مذکور نخستین تشکیلات فراماسونری در ایران بود که ارتباط مستقیم و رسمی با شرق اعظم فرانسه داشت و توسط

فراماسونری فرانسه به رسمیت شناخته شده بود، در حالی که لژهای پیش از آن، همگی ملهم از تشکیلات لژهای فرانسوی و یا اسکاتلندی بودند و وابستگی رسمی نداشتند. دوم اینکه تأسیس رسمی لژ بیداری ایران به سال ۱۹۰۷ م بازمی‌گردد، یعنی هم‌زمان با تحولات نهضت مشروطیت در ایران. عضویت برخی از انقلابیون و مشروطه‌خواهان در این لژ، حکایت از اهمیت و تأثیر لژ در تحولات این دوره دارد.

شایان ذکر است که در خلال نگارش رساله دکتری خود درباره بررسی روابط تاریخی ایران و فرانسه در نیمه دوم قرن نوزدهم، پس از مکاتباتی از طرف دانشگاه محل تحصیل، اجازه استفاده محدود از کتابخانه و بایگانی شرق اعظم فرانسه در پاریس به من داده شد و بدین ترتیب اسناد جدیدی در خصوص فراماسونری ایران در قرن نوزدهم یافتیم. در پرونده مربوط به ایران، اسناد و نوشته‌های متعددی حاوی اطلاعاتی جدید از فراماسونری ایران در قرن نوزدهم وجود داشت. کل اشعار ادیب‌الممالک فراهانی (۵۳۸ بیت در ۱۸ صفحه) به انضمام تصویر اسناد دست‌نویس وی (همراه ترجمه فرانسوی آن)، پرونده‌های متعدد اما ناقص، اسامی بسیاری از فراماسونری‌های ایرانی وابسته به لژهای فرانسوی، تصویر اشعار مراسم پذیرش ایرانیان در لژهای فرانسوی به زبان رمز ماسونی و مقاله جامع «پل سابتین» از مجله فراماسونری دانشگاه بروکسل با عنوان «تاریخچه اولین لژ ماسونی در ایران»<sup>۱</sup> که عمدتاً به تحلیل خردنگرانه لژ بیداری ایران (۱۹۰۷ م) می‌پرداخت، در این پرونده موجود بود.

از آنجا که در کتب و اسناد فارسی درباره لژ بیداری ایران، کمتر بحث شده است در این مقاله سعی شده با استناد به اسناد جدید، عمدتاً مسائل این لژ مورد بحث قرار گیرد و تنها به ذکر نام شخصیت‌ها و یا سایر لژهای فرانسوی اکتفا شود، چرا که در کتب فارسی به تفصیل پیرامون آنها بحث شده است. پیش از تأسیس لژ بیداری ایران، در طول قرن نوزدهم، اشخاص متعددی به عضویت لژهای فرانسوی درآمدند که اسامی برخی از شخصیت‌های مهم آنها عبارت است از:

- ۱- عسگرخان افشار رومی (۱۸۰۸ م)، سفیر فوق‌العاده دربار قاجار نزد ناپلئون اول؛<sup>۲</sup>
- ۲- تمامی اعضای هیئت فرخ‌خان امین‌الدوله (۱۸۵۷ م) در لژ دوستی صمیمانه؛<sup>۳</sup>
- ۳- حسن علی خان امیرنظام گروسی، سفیر ایران در فرانسه (۱۸۶۰ م)؛<sup>۴</sup>
- ۴- میرزا یوسف خان مستشارالدوله، کاردار ایران در پاریس، نویسنده کتابچه «یک کلمه»؛<sup>۵</sup>
- ۵- محمود محمودی معروف به مشاورالممالک از دانشمندان علوم ریاضی در کشور؛<sup>۶</sup>
- ۶- شیخ محسن، ملقب به مشیرالدوله، عضو لژ شرق اعظم استانبول از زیرمجموعه‌های لژهای فرانسوی.<sup>۷</sup>

سه نمونه از تشکیلاتی که در این دوره ملهم از لژهای فرانسوی بودند عبارت است از:

- ۱- فراموشخانه میرزا ملکم خان (۱۸۵۸ م)؛<sup>۸</sup>
- ۲- مجمع آدمیت که توسط میرزا عباس قلی خان آدمیت در ۱۸۸۶ م تأسیس شد؛<sup>۹</sup>
- ۳- لژ مشیرالدوله (۱۸۹۶ م).<sup>۱۰</sup>

### لژ بیداری ایران (Reveil de l'Iran)

در اواخر ۱۹۰۶ م، حدود ده نفر از فراماسونرهای ایرانی و فرانسوی عضو لژهای فرانسوی تصمیم به ایجاد لژی در تهران گرفتند. درباره تاریخ دقیق تأسیس آن، نظریات مختلفی ابراز شده است، اما بایگانی شرق اعظم در پاریس اعلام می‌دارد که یک لژ موقتی در ۱۹۰۶ م در تهران تأسیس شد و در ۶ نوامبر ۱۹۰۷ از سوی شرق اعظم به رسمیت شناخته و سند شناسایی رسمی آن در ۲۱ نوامبر به تهران ارسال شد.<sup>۱۱</sup>

بنیان‌گذاران لژ در ۲۹ نوامبر ۱۹۰۶ م در خانه حکیم الملک گرد هم آمدند. اعضای نخستین هسته آن عبارت بودند از: «استاد و رئیس لژ، ژان باتیست لومر، رئیس دسته موسیقی ارتش وقت ایران»، «ناظر اول لژ، ژولین بوتن، مهندس ضرابخانه تهران»، «ناظر دوم، میرزا سعید انتظام السلطنه، کارگزار و رئیس پلیس پیشین دولت»، «سخن‌گوی لژ، ابراهیم خان حکیم الملک»، «دبیر لژ، پل هنری مورل، سردبیر روزنامه ندای ایران»، «خزانه‌دار لژ، ثقة‌الملک، مشاور سفارت»، «مهماندار لژ، عبدالله میرزا، افسر اتاق شاه»، «کارپرداز لژ، حاجی سیاح محلاتی، تاجر و نویسنده سفرنامه حاجی سیاح». سه نفر دیگر که سمتی در لژ نداشتند عبارت بودند از «ابوالفتح خان، دانشجو»، «محمدحسن خان شیخ‌الملک سیرجانی، آموزگار» و «ژنرال میرزا فضل‌الله خان لواءالملک، از فرماندهان ارتش وقت».<sup>۱۲</sup>

بر اساس اسناد شرق اعظم، تا مه ۱۹۰۸، هفت نفر دیگر با رتبه درجه یک به عضویت لژ درآمدند که اسامی شش تن از آنان عبارت بود از: سیدحسن تقی‌زاده (پذیرش عضویت، ۱۷ مه ۱۹۰۷)، میرزا علی‌اکبر دهخدا (پذیرش عضویت ۳ مارس ۱۹۰۸)، معتضدالسلطنه، نماینده مجلس شورای وقت (پذیرش عضویت ۱۱ ژوئن ۱۹۰۷)، محمدعلی فروغی ذکاءالملک (۱۹ اوت ۱۹۰۷) و میرزا صادق خان امیری معروف به ادیب‌الممالک فراهانی (۷ مه ۱۹۰۷).<sup>۱۳</sup>

پس از به توپ بستن مجلس، در دوران استبداد صغیر، فعالیت لژ برای مدتی متوقف شد. تعدادی از اعضای لژ نیز در این دوره دستگیر و حتی اعدام شدند که از جمله آنها می‌توان به سید جمال واعظ، ملک‌المتکلمین و میرزا جهانگیرخان، سردبیر روزنامه صوراسرافیل اشاره کرد. اما با سقوط استبداد صغیر، لژ بیداری ایران دوباره کار خود را آغاز کرد و مجلس بزرگداشتی برای دو تن از اعضای خود، سید جمال واعظ و حاجی میرزا ابراهیم ترتیب داد.<sup>۱۴</sup>

## مطالعات تاریخی

فعالیت لژ در سالهای بعدی، تا آغاز جنگ جهانی اول رونق بیشتری یافت. اعضای جدیدی نیز از جمله رجال سیاسی قاجار و پهلوی به لژ پیوستند که می توان به حسین علاء، محمد ساعد، عباس قلی خان قریب و لقمان الممالک اشاره کرد. ساباتین با تکیه بر نوشته های ادیب الممالک فراهانی و کتاب حامد الگار اظهار می دارد که سیدمحمد طباطبایی، صادق سنگلجی و سیداسماعیل بهبهانی، از روحانیون برجسته وقت نیز به عضویت لژ درآمدند<sup>۱۵</sup> ولی ساباتین از تاریخ دقیق عضویت و نحوه آن سخنی به میان نمی آورد. عضویت سیدمحمد طباطبایی در سایر نوشته ها تأیید شده است<sup>۱۶</sup>، ولی از عضویت دو روحانی برجسته بعدی اسناد معتبری یافت نشده است.

جدول زیر تعداد اعضای جدید و رتبه آنها را در حفاصل ۱۹۰۷ تا ۱۹۱۴ م نشان می دهد:<sup>۱۸</sup>

سال	پذیرفته شدگان و رتبه آنان			منصرفین	وابسته
	درجه ۳	درجه ۲	درجه ۱		
۱۹۰۷	۰	۱	۵	۰	۱
۱۹۰۸	۳	۱	۳	۰	۰
۱۹۰۹	۰	۰	۰	۰	۳
۱۹۱۰	۳	۱	۹	۴	۲
۱۹۱۱	۱	۰	۷	۳	۲
۱۹۱۲	۳	۱	۴	۰	۲
۱۹۱۳	۰	۱	۲	۷	۰
۱۹۱۴	۱	۰	۳	۲	۲

۲۳۸

ریاست لژ نیز پس از ۱۹۰۷ م دستخوش تغییراتی شد. دو فوریه همان سال، «ژان باتیست لومر» فوت کرد و «پل هنری مورل» جانشین وی شد. در ۱۹۱۰ م، ریاست لژ به «پل کومبو» استاد پزشکی در دارالفنون واگذار شد و پس از وی نیز به «شارل لات» منتقل گردید. نامبرده نیز تا ۸ دسامبر ۱۹۱۳ که به اروپا بازگشت، ریاست لژ را عهده دار بود و از آن پس ریاست لژ به محمدعلی فروغی ذکاءالملک واگذار گردید و او نیز تا ۱۹۲۲ م رئیس لژ بود.<sup>۱۹</sup>

بین سالهای ۱۹۰۷ تا ۱۹۱۴ م تعداد زیادی از شخصیتهای سیاسی کشور به عضویت لژ درآمدند. به نظر ساباتین، در تاریخ فراماسونری در جهان، به ندرت می توان لژی پیدا کرد که این تعداد از شخصیتهای سیاسی یک کشور را به خود جلب کرده باشد. از جمله می توان به

لژ بیداری ایران

شخصیتهایی چون معززالملک (پذیرش عضویت ۲۷ ژوئن ۱۹۱۰)، مستوفی الممالک، وثوق الدوله (۲۵ مه ۱۹۱۰)، کیخسرو شاهرخ زرتشتی (۵ دسامبر ۱۹۱۰)، صنیع الدوله (۳۱ اکتبر ۱۹۱۰)، صمصام السلطنه بختیاری، استاندار وقت اصفهان (۱۱ آوریل ۱۹۱۰)، حسن پیرنیا مشیرالدوله، مخبر السلطنه و همچنین ادیب السلطنه، که در ۱۵ آوریل ۱۹۱۲ به رتبه استادی نایل آمد، اشاره کرد.<sup>۲۰</sup>

در خلال جنگ جهانی اول، مکاتبات بین شرق اعظم پاریس و تهران قطع شد ولی از ۱۹۱۸م دوباره از سر گرفته شد. این مکاتبات تا سال ۱۹۲۳ م، یعنی سال احتمالی انحلال لژ، ادامه داشته است. در مدت شانزده سال عمر لژ، عضویت ۱۶۳ نفر در دفاتر لژ به ثبت رسیده است. قریب به اتفاق اعضای ایرانی لژ، تحصیل کردگان خارج از کشور بودند و یا حداقل گرایشهای اروپایی داشتند و به تعبیری فرنگی مآب بودند، و یا دست کم اروپای آن روز را مهد معرفت و دانش زمان می دانستند.

بافت طبقاتی و مشاغل اعضا بیانگر ماهیت لژ است. البته طبقه بندی شغلی اعضا، کار مشکلی است زیرا که از جوانب مختلف در طبقه بندیهای جداگانه قرار می گیرند. به طور مثال سید نصرالله تقوی، ضمن اینکه نماینده و رئیس مجلس بود، ادیب و نویسنده نیز محسوب می شد. حتی وی در گروه روحانیان نیز قابل طبقه بندی است. همین وضعیت برای سید محمد طباطبایی، روحانی برجسته وقت و یا برای ذکاءالملک نیز صادق است. طبقه بندی ذکاءالملک صرفاً در یکی از مشاغل استاد دانشگاه، نویسنده، ادیب، روزنامه نگار، قاضی، نماینده مجلس و یا سفیر کار مشکلی است. به رغم وجود این مشکل، طبقه بندی شغلی زیر را می توان در مورد اعضای لژ ارائه داد:

۲۳۹

کارگزار بخش دولتی	۲۴ نفر
نماینده مجلس، وزیر و یا رجل سیاسی معروف	۲۵ نفر
شاهزاده دربار	۶ نفر
پزشک	۱۲ نفر
رئیس پلیس	۲ نفر
آموزگار	۱۰ نفر
نظامی	۸ نفر
روحانی	۵ نفر
تاجر و اصناف	۵ نفر
دیپلمات	۵ نفر

## فصلنامه مطالعات تاریخی

روزنامه نگار و نویسنده	۵ نفر
مهندس	۲ نفر
دانشجو	۲ نفر
هنرمند نقاش	۱ نفر
خدمه منزل	۱ نفر
ناشناخته	۱ نفر

از میان هشت نفر نظامی، دو نفر آنها یعنی «ژان باتیست لومر» و لواء الملک، از بنیان گذاران لژ بودند. سه نفر آنها، یعنی حاج قلی خان صمصام السلطنه، جعفر قلی خان سردار بهادر (پذیرش عضویت ۲۵ نوامبر ۱۹۱۱) و حاجی خسروخان سردار ظفر (۲۵ اکتبر ۱۹۱۰)، از بختیاریه‌های مؤثر در نهضت مشروطیت بودند. ده نفر از دوازده پزشک، تحصیل کرده اروپا بودند و در خارج، به علت تماس با فراماسونری، این گمان نزد آنان تقویت شده بود که تشکیلات مزبور از جمله نهادهایی است که به گسترش علوم مدرن در ایران کمک می‌کند.<sup>۲۱</sup>

ادبای عصر نیز در ترویج ماسونی فعال بودند. مهم‌ترین آنها ادیب‌الممالک فراهانی است که شعری در قالب مثنوی در تبیین مرام و اصول فراماسونری به زبان فارسی و در ۵۳۸ بیت و مجموعاً در هجده صفحه به خط خود با عنوان «آیین فراماسونری یا فراموشخانه» در ۱۹۰۸ م سرود. وی در این شعر به نحوی غریب می‌کوشید میان مفاهیم مذهب تشیع و اصول فراماسونری رابطه برقرار کند.<sup>۲۲</sup> او در شعر خود از لژ شرق اعظم فرانسه صحبت می‌کند و بر رابطه میان لژ بیداری ایران و شرق اعظم فرانسه صحنه می‌گذارد:

۲۴۰

هست پیدا بر اهل دانش و ویر  
در فرانسه ز شرق اعظم تافت  
و ز خطوط شناعی آن مهر  
نور بگرفت سطح عالم را  
تا از آن نور سنگها بگداخت  
و ندر آن معبد مستوده پاک

که درین قرن تا بناک از دیر  
آفتابی که قلب ذره شکافت  
گشت روشن بساط خاک و سپهر  
روشنی داد آل آدم را  
«لژ بیداری» در ایران ساخت  
بس گهرها برون شد از دل خاک

ادیب‌الممالک از جمله شخصیت‌هایی بود که در مجلس شورای ملی، مقالات متعددی می‌نوشت و مجله العراق العجمی را تأسیس کرد. او در دوره استبداد صغیر به تبریز گریخت و در جریان اشغال تهران، سلاح به دست، هم‌رزم سلحشوران تبریزی علیه ارتش محمد علی‌شاه جنگید. وی در ۱۹۱۷ م در اثر بیماری در ۵۸ سالگی درگذشت.

پنج روحانی عضو عبارت بودند از حاج سید نصرالله تقوی، سید محمدصادق طباطبایی، سیدجمال واعظ، آقامیرزا یعقوب صدرالعلماء خراسانی<sup>۲۳</sup> و آقا سیدمحمد مجتهد<sup>۲۴</sup>. در میان تجار و اصناف، نام دو تن از رجال سیاسی معروف، حاج سیاح محلاتی و گشتاسب فریدون (پذیرش عضویت ۱ ژوئن ۱۹۱۴)، و در میان روزنامه نگاران و نویسندگان، نام علی اکبر دهخدا، روشنفکر ملی گرا در کنار سیدحسن تقی زاده، فرنگی مآب افراطی و در میان هنرمندان، نام نقاش معروف عصر قاجار، کمال الملک (پذیرش عضویت ۳۰ اکتبر ۱۹۱۱) به چشم می خورد. نام دو تن از رؤسای پلیس وقت، ناظم الدوله و پیرم خان ارمنی (اکتبر ۱۹۱۱)<sup>۲۵</sup> در فهرست اعضای لژ، گویای میزان نفوذ لژ در دولتهای دوران مشروطیت است. گزارشی که ذکاءالملک در خصوص صلاحیت پیرم داویدیان (ارمنی) تهیه کرده، تا حدودی گویای حساسیت لژ برای عضویت افراد جدید است. به هنگام پذیرش اعضای جدید معمولاً پرسش نامه هایی با عنوان «راپورت» و یا «تفتیش احوال» برای سه تن از اعضای موثق لژ که متقاضی را می شناختند، ارسال می شد که در تصمیم گیری قطعی برای پذیرش یا عدم پذیرش عضویت فرد استفاده می شد.<sup>۲۶</sup> لژ همچنین افرادی از خانواده سلطنتی را در میان خود جای داده بود. امان الله میرزا، فرمانده ارتش تبریز، ابراهیم خان ظهیرالدوله، از نزدیکان نسبی محمد علی شاه و مهم تر از همه، مسعود میرزا ظل السلطان، پسر ناصرالدین شاه و به عبارت دیگر عموی محمدعلی شاه، از جمله اعضای لژ بودند.

۲۴۱

عضویت ظل السلطان در لژ، با آن همه سابقه خشونت و ددمنشی در دوره ولایتش در اصفهان، حکایت از سه نکته دارد: اولاً لژ در عضوگیری دقت کافی به خرج نمی داد، ثانیاً احتمالاً لژ در صدد استفاده از منابع مالی متمولین برای اداره امور خود بوده است و ثالثاً تحت تأثیر عوامل نفوذی دربار و قدرت طلب نیز بوده است. این احتمال نیز وجود دارد که قصد ظل السلطان از عضویت در لژ، استفاده از شهرت آن برای تظاهر به مشروطه خواهی و نامزد کردن خود به عنوان پادشاه مشروطه خواه نزد انقلابیون وقت بوده باشد.<sup>۲۷</sup> نمونه های متعددی از تمایل لژ برای نفوذ در سیاستگذاری و انتصابات پستهای سیاسی و اداری کشور در این دوره قابل ذکر است. از جمله حاجی محمدخان کاشف السلطنه در متن استعفانامه خود خطاب به لژ تأکید می کند که در موضوع حکومت اصفهان، حضرت اقدس والا ظل السلطان به واسطه یکی از اخوان (برادران ماسونی) پیغام داده، استعانت لژ را در برقراری خود خواسته است.<sup>۲۸</sup> محمدصادق امیری فراهانی (ادیب) هنگام عزیمت به محل مأموریت خود از طرف عدلیه، در نامه ای ابتدا از لژ برای حرکت کسب اجازه و سپس راهنمایی و معاضدت را خواستار می شود. محمدحسن شیخ الملک که از مأموران عدلیه بود نیز یک بار برای احقاق حق خود در



شیراز به لژ متوسل شد و مشیرالدوله وزیر وقت عدلیه به وساطت لژ به داد وی رسید.<sup>۲۹</sup> زمانی هم که میرزا رضاخان ارفع الدوله (ملقب به دانش) به سمت وزارت عدلیه منصوب شد در نامه ای به اعضای لژ، مساعدت و حمایت دوستان لژ را درخواست کرد.<sup>۳۰</sup> موضوع حذف عده ای از اعضا از فهرست عضویت و انصراف اختیاری پاره ای از شخصیتها، از جمله مسایل مهم در تاریخ فعالیت لژ است. از عدم پرداخت منظم حق عضویت به عنوان علت اصلی حذف نام برخی از شخصیتها از فهرست عضویت یاد می شود. اما در خصوص علت انصراف، می توان به عللی چون ناامید شدن و بی پاسخ ماندن انتظارات و پیدایش لژهای جدید اشاره کرد. بین سالهای ۱۴-۱۹۱۲ و ۲۳-۱۹۲۱ م تعداد زیادی از اعضا از عضویت در لژ اعلام انصراف دادند که از میان آنان می توان به عبدالله میرزا، لواءالملک، علی اکبر دهخدا، سیدحسن تقی زاده و ادیب الممالک فراهانی اشاره کرد. در واقع گروهی از اعضا به امید اینکه لژ مکانی برای توسعه علم و فرهنگ در کشور ایران است، به آن پیوستند، ولی از آنجا که به تدریج با عضویت افرادی مانند ظل السلطان، لژ به جانبداری از گروههای خاص روی آورد، این انتظارات خود را بی پاسخ یافتند.

از سوی دیگر در بین اعضای لژ این گمان وجود داشت که دولت فرانسه پشتیبان لژ است و از طریق سفارت خانه خود، نه تنها از منافع ایران، بلکه از منافع شخصی اعضا نیز دفاع خواهد کرد، اما فرانسه در این دوران درگیر مسایل دیپلماتیک بسیار مهم تر و حساس تر زمان خود بود و بیشتر به تثبیت روابط خود با روسیه تزاری و انگلستان، در آستانه جنگ جهانی اول می اندیشید تا مسائل چند فراماسونر خودباخته در ایران. اگر چه نباید از نظر دور داشت که فرانسویان عضو لژ و مقیم ایران، از نفوذ و شهرت کافی برای تأثیرگذاری در سیاستهای دولت وقت فرانسه برخوردار نبوده اند.

از سوی دیگر در سال ۱۹۱۹ م، «لژ روشنایی در ایران» (Light in Iran)، وابسته به فراماسونری انگلستان در ایران تأسیس شد. پیدایش لژ مزبور، گرایشهای جدیدی را نزد برخی از شخصیتهای سیاسی وقت به وجود آورد به طوری که آنها لژهای انگلیسی را بر لژهای فرانسوی ترجیح می دادند. در واقع ابتکار دولت انگلستان برای تحمیل قرارداد تحت الحمایگی ایران در ۱۹۱۹ م و ظهور تمایلات انگلوفیلی در کابینه و ثوق الدوله، این اراده را نزد برخی از رجال وقت تقویت کرد که آینده ایران در گرو همکاری با انگلیسیها و دوری از فرانسویان است. البته ناکامی نهایی انگلستان و وثوق الدوله در تحمیل قرارداد ۱۹۱۹ م زمینه های قدرت گرفتن لژ روشنایی ایران را بسیار ضعیف کرد.

به هر ترتیب، بر اساس اسناد، مکاتبات لژ بیداری ایران فقط تا سال ۱۹۲۳ م ادامه یافت، از این رو به احتمال همین سال نیز پایان عمر لژ تلقی می شود.



### نگاهی واقع بینانه

اندیشمندان معاصر از زوایای متفاوتی به تشکیلات فراماسونری در ایران و بازتاب حضور آن در کشورمان نگریسته‌اند. عده‌ای بر وابستگی مطلق به استعمار و مذموم بودن کامل این نوع تشکیلات در تمامی دوره‌های حضور این سازمانها در ایران تأکید می‌کنند و اظهار می‌دارند هیچ تفاوتی از لحاظ درجه و میزان وابستگی و خیانت‌پیشگی میان اشخاص و لژهای فراماسونری ایران در قرن نوزدهم و بیستم وجود ندارد. سعید نفیسی در کتاب نیمه راه بهشت می‌نویسد که استعمار انگلستان همواره از تشکیلات فراماسونری در کشورهای مختلف بهره برده است. او می‌افزاید از آنجا که انگلستان می‌دانست نزد ایرانیان بدنام است، و فرانسه از محبوبیت بیشتری در ایران برخوردار است، لذا سعی داشت تحت پوشش فراماسونری وابسته به فرانسه، نقشه‌های استعماری خود را در ایران محقق سازد. بنا به تحلیل نفیسی، فراماسونری فرانسه در ایران، در خدمت سیاستهای استعماری انگلستان بوده است و یکایک وابستگان به این نوع تشکیلات نیز، نوکران بیگانه و خائنین به ملت محسوب می‌شوند.

۲۴۳

در تحلیل ماهیت تشکیلات فراماسونری قرن نوزدهم ایران، دیدگاههای دیگری نیز وجود دارد. در این باره باید اذعان کرد که استعمار مغرب زمین، چه انگلیسی و چه فرانسوی همواره درصدد بهره‌برداری از عوامل مختلف در کشورهای ضعیف، در راستای منافع خود بوده است. ولی چنین پدیده‌ای به معنای وابستگی مطلق و یا خیانت‌پیشگی یکایک اعضا و یا طرفداران این نوع تشکیلات در عصر مذکور نیست. در این مورد باید سعی کرد حتی الامکان در حال و هوای دوران پیدایش این نوع تشکیلات را شناخت و مقاصد اعضای آنها را واقع بینانه تجزیه و تحلیل کرد. بدین لحاظ باید میان فراماسونری ایران در عصر قاجار و فراماسونری در عصر پهلوی از جهات مختلف تمایز قابل شد.

اشخاص مختلفی که در قرن نوزدهم به عضویت لژهای تأسیس شده در ایران درآمدند، هر یک اهداف خاص خود را تعقیب می‌کردند و تعداد زیادی از آنان نیز از جمله شخصیت‌های ملی روشنفکر، انقلابی و حتی مذهبی بوده‌اند که گمان می‌کردند تشکیلات فراماسونری و یا فراموشخانه مرکزی علمی-فرهنگی محسوب می‌شود و هدف آن، تنویر افکار عمومی و عامل رنسانس شرق است؛ شرقی که اسیر استبداد و خفته در خرافات است. در این میان، عده‌ای فراماسونری را مأوای علم و فرهنگ می‌دانستند و امید داشتند که از طریق این مجامع، با تنویر افکار نخبگان، به تدریج عصر بی‌خبری، جهل، استبداد و خرافه‌پرستی، جای خود را به عصر واقع بینی، خردورزی و اعتماد به نفس خواهد داد.

مفاد نامه درخواست عضویت غلامحسین خان رهنما در لژ، یک سند قطعی برای اثبات بیان

انگیزه نامبرده و سایر اعضا نیست، زیرا ممکن است این اشخاص فقط از باب تظاهر چنین مطالبی را بیان کنند ولی تا حدودی مشخص کننده نوع نگاه اعضا به لژ است. وی می نویسد: «خدمت ذی شرافت جناب رئیس هیئت محترمه ماسونی، این بنده به امید تنویر افکار و تهذیب اخلاق و خدمت به نوع، آرزو دارم در جزو اعضای محترم آن هیئت قبول شوم.»<sup>۳۱</sup> قدر مسلم عضویت فرهیختگانی چون دهخدا، نمی تواند از سر خیانت پیشگی باشد.

گروهی نیز به شعایر انسانی، برادرانه و نوع دوستانه مطرح شده در اساس نامه این نوع تشکیلات دل می بستند و صداقت، پاکی و خلوص خود را در مسلخ مطامع فرصت طلبان ظاهر فریب، که در همه دوره ها حاضر هستند، قربانی می کردند. متن وصیت نامه های فلسفی، که اعضای لژ بعضاً موظف به تنظیم آن بودند، خود حاکی از ظاهر انسان دوستانه انگیزه های اعضا در عضویت است.<sup>۳۲</sup>

از جمله علل دیگر توفیق لژ، سودجستن تشکیلات ماسونی از گرایشهای گروهی از مردم ایران به اعتقادات طریقتی و تصوف بود. وجود شباهت میان آیینهای ماسونی با روشهای طریقتی تصوف<sup>۳۳</sup>، این ذهنیت را نزد برخی از رجال ایرانی ایجاد می کرد که تشکیلات مذکور نوعی تصوف آمیخته با مدرنیته اروپایی است.

۲۴۴

البته عده دیگری نیز بودند که منافع شخصی خود را بر هر موضوعی دیگر ترجیح می دادند و امید داشتند از طریق این نوع مجامع با بزرگان رابطه برقرار کنند و احیاناً شغل نان و آبداری برای خود تدارک ببینند.

عده ای نیز گمان می کردند با عضویت در این لژها، از حمایت قدرتهای بیگانه برخوردار خواهند شد و بدین ترتیب مصونیتی در جریان توفان حوادث و یا غضبهای احتمالی شاه و وابستگان دربار برای خود ایجاد می کنند.

تأسیس لژهای شبه فراماسونری و یا واقعی در ایران، در ابتدا اقدامی تقلیدی از تشکیلات روشنفکری در مغرب زمین بوده است و شاید هم علت اصلی عدم توفیق آنها برای تداوم حیات، همین ویژگی وارداتی بودن آنها بود. با توجه به نوپا بودن این نوع تشکیلات در ایران، قطعاً دست اندرکاران فراماسونری قرن نوزدهم در کشور، توانایی برنامه ریزی منسجم و حساب شده برای تأثیرگذاری اساسی در امور سیاسی، فرهنگی و اجتماعی کشور را نداشته اند و نمی توان حداقل لژ بیداری ایران را عامل کلیدی تحولات این دوره دانست. ولی آنچه که مسلم است، این نوع تشکیلات در تحول افکار برخی از نخبگان عصر ناصری و مظفری، نقش اساسی داشته است.

1- SABATIENNES, Paul. Pour une histoire de la première loge maçonnique en Iran France -  
Maçonnerie, Symboles, figures, histoire, Revue de l'Université de Bruxelles, No 3-4, 1977.

۲- در زمانی که عسگرخان افشار رومی به عنوان سفیر فوق العاده دربار قاجار به فرانسه اعزام شده بود تا از ناپلئون اول، اجرای وعده‌های فرانسه در قرارداد فین کن اشتاین و تحکیم روابط دو کشور را درخواست کند، در ۲۸ نوامبر ۱۸۰۸ م به یکی از لژهای فراماسونری فرانسه وارد شد. محمود کتیرایی در صفحه ده کتاب خود با عنوان فراماسونری در ایران، از آغاز تا تأسیس لژ بیداری ایران و دانیل لیگو در فرهنگ فراماسونری چاپ ۱۹۷۸ م، پاریس، صفحه ۶۲۷ این موضوع را تأیید می‌کند.

۳- اعضای هیئت عبارت بودند از میرزا فرخ خان امین الدوله، رئیس هیئت، میرزا ملکم خان، میرزا علی نقی، میرزا رضاخان غفاری، میرزا نریمان خان و میرزا محمدعلی آقا که در ۶ سپتامبر ۱۸۵۷ م به عضویت لژ «دوستی صمیمانه» (سنسر امیتیه) درآمدند. به همین مناسبت جشنی از سوی لژ مذکور با حضور هیئت ایرانی ترتیب یافت که شعر زیر در وصف این جشن سروده شده است.

۴ Voici l'a-propos en vers qui fut adressé à S. Exc. Persane dans cette fête, qui datera dans les annales de la franc-maçonnerie rouennaise :

Or. . de Rouen. — Fête offerte à S. Exc. le F. . Ferruck-Khan, ambassadeur persan, entouré des Ill. . FF. . composant l'Ambassade persane, par les LL. . réunies, sous la direction de la Persévérance-Couronné. — A cette manifestation assistaient des FF. . de l'Or. . rouennais et des Or. . étrangers. — 6 septembre 1857.

۲۴۵

## A-PROPOS

AIR : Je crois presser la main d'un frère (de Kety)

Salut à vous, Frères qu'on doit bénir,  
Vous, d'un pouvoir le glorieux symbole,  
Sous le drapeau qui vient nous réunir  
Nous retrouvons la sublime parole.  
Vers l'Orient se lève un horizon.  
Le précurseur d'une ère qui commence,  
En proposant le principe maçon,  
Si les élus sont tous à l'unisson,  
C'est grâce à la Persévérance.

Perséverons au but qu'il faut toucher,  
Lorsque le vœu parcourt chaque hémisphère  
Sans s'arrêter à l'amour du clocher,  
Le vrai lien s'agrandit dans la sphère;  
Quand chaque épi, placé dans le sillon,  
Doit dans la Perse étendre la gerbe,  
Quand il aura mûri sous le rayon,  
S'il reproduit abondante moisson,  
C'est grâce à la Persévérance

Trois fois honneur au Frère Ferruck-Khan !  
Au digne élu représentant la Perse ;  
Quand vous serez un jour à Téhéran,  
Soyez l'appui, l'émule du commerce ;

A votre roi, dont on bénit les jours,  
Portez les vœux du commerce de France ;  
Si les bienfaits en fécondent le cours,  
Nos deux pays vous rediront toujours :  
Gloire à votre Persévérance.

Mais ce beau jour, qu'on fête avec bonheur,  
Où sont unis les fils de la lumière,  
Nous le devons, Frères, au noble cœur  
Qu'on voit briller sous la sainte bannière.  
Ce vrai Maçon, dont nous pressons la main,  
De l'industrie a fondé l'alliance ;  
Si nous goûtons un bonheur si certain,  
Frère Debbeld a tracé le chemin :  
Hommage à sa Persévérance !

Pour le succès, perséverons, amis :  
Sans le niveau disparaît toute haine,  
Les Ateliers, aux visiteurs unis,  
Vont, avec cœur, s'enlacer à la chaîne.  
A l'union, au cortège persan,  
À l'industrie, à l'ordre, à la science :  
En unissant Paris à Téhéran,  
On verra, grâce au nom de Ferruck-Khan,  
Couronner la Persévérance.

Improvisé à la Fête par le F. . HOUDARD Jnr,  
ex-Vénéral des Arts-Réunis.

Jules THIEURY, "Documents pour servir l'histoire des relations entre la France et la Perse, suivi des traites de commerce conclus entre ces deux pays". Evreux, De l'Imprimerie d'Auguste Herissey 1866. Paris. P.31. et Charles COUSIN, "Une fete maconnaise Paris" Imprimerie centrale des Chemins de fer, Paris, 1873. PP.6-11.

۴- نامبرده در ۲۵ ژوئیه ۱۸۶۰ م به عضویت لژ دوستی صمیمانه درآمد و به همین مناسبت جشنی از طرف لژ مذکور ترتیب داده شد. (پیشین).

۵- میرزا یوسف خان مستشارالدوله کاردار ایران در پاریس طی سالهای ۷۰-۱۸۶۷، از جمله روشنفکران عصر ناصری است که با تحریر کتاب یک کلمه سعی داشت با الهام از اصول قانون اساسی فرانسه، قوانین اسلامی را منطبق با قوانین کشورهای پیشرفته زمان خود معرفی کند. اسماعیل رائین مدعی است که وی کتاب یک کلمه را تحت نظر و توصیه های استادان فراماسونری خود در شرق اعظم به رشته تحریر درآورده است. (رائین، اسماعیل، فراموشخانه یا فراماسونری در ایران، مؤسسه تحقیق رائین، چاپ دوم، ۱۳۴۹، تهران، ص ۴۷۳).

۶- نامبرده که از دانشمندان علم ریاضیات در ایران بود، درس خود را نزد بوهلر، افسر فرانسوی شاغل در ارتش ایران تکمیل کرد و در ۱۸۶۰ م برای ادامه تحصیل عازم فرانسه شد و در آنجا بنا به توصیه حسن علی خان گروسی، عضو لژ دوستی صمیمانه شد. (پیشین، ص ۴۸۶).

۷- کتیرایی، محمود، فراماسونری در ایران...، ص ۱۱۹.

۸- ملکم خان پس از بازگشت از مأموریت در فرانسه، بدون هماهنگی با فرخ خان امین الدوله در ۱۸۵۸ م یک انجمن مخفی با نام فراموشخانه تأسیس کرد که پس از چندی فعالیت خود را آشکار ساخت. به نظر حامد الگار، هدف ابتدایی ملکم خان از تأسیس این انجمن، ترویج فرهنگ و تمدن فرانسوی در ایران بود. (الگار، حامد، مقدمه ای بر تاریخ فراماسونری در ایران، ترجمه یعقوب آژند، گستره، چاپ اول، ۱۳۶۰، تهران، ص ۳۵).

۹- قریب به اتفاق محققان معتقدند که اصول مجمع آدمیت عمدتاً از عقاید ملکم خان الهام گرفته است. در خصوص اساس نامه مجمع دو نظر عمده وجود دارد. بنا به نظر نخست، اساس نامه مجمع ملهم از عقاید فیلسوف فرانسوی آگوست کنت (۱۷۹۸-۱۸۵۷ م) است، ولی نظر دوم مدعی است که اساس نامه مزبور، کپی تقریبی اساس نامه شرق اعظم فرانسه است. (رائین، اسماعیل، فراموشخانه یا فراماسونری...، ص ۵۷۷).

۱۰- مشیرالدوله در ۱۸۹۶ م در تهران لژی با الهام از لژ شرق اعظم استانبول تأسیس کرد. ظاهراً این لژ پیش از نهضت مشروطیت فعالیت محرمانه داشت.

۱۱- بر اساس اسناد دستنویس ادیب الممالک فراهانی، لژ در شب سه شنبه ۱۹ ربیع الاول ۱۳۲۶ هـ. ق تأسیس شده است.

**(۱۴) لژ پیداری ایران.** این محفل مقدس در دارالخلافه طهران بطور رسمی با اجازه «شرق اعظم فرانسه» و دستورای عالی ماسنی فرانسه در شب سه شنبه ۱۹ ربیع الاول سنه ۱۳۲۶ هـ. تأسیس یافت و نخستین کسی که در این لژ پذیرفته شد این بنده نگارنده بود. لژ مزبور بعد از بهار دمان مجلس مطابق ۳۳ شنبه ۲۶ جمادی الاولی سنه ۱۳۲۶ هـ. تعطیل شد و پس از استقرار مشروطیت ثانوی در شب سه شنبه سلخ ذی القعدة الحرام ۱۳۲۷ هـ. مجدداً افتتاح شد.

لژ بیداری ایران

- تصویر سند در پرونده ادیب الممالک فراهانی، اشعار ماسونی ایرانی، ۱۹۰۸، بایگانی شرق اعظم فرانسه، ص ۲۴.  
12- SABATIENNES, Paul. Pour une histoire de la premiere... Op. Cit. PP. 421-2.  
13- Ibid. P.423.  
14- Ibid, P. 424.

۱۵- ادیب الممالک فراهانی، اشعار ماسونی ایرانی، ۱۹۰۸، بایگانی شرق اعظم فرانسه. ص ۲۴.  
۱۶- شاه آبادی، حمیدرضا، تاریخ آغازین فراماسونری در ایران، ج ۱. دفتر ادبیات انقلاب اسلامی. تهران. ۱۳۷۸. ص ۳۳۲.

- ۱۷- راثین، اسماعیل، فراموشخانه و فراماسونری در ایران، ج ۲. امیرکبیر. تهران. ۱۳۵۷. ص ۴۵۲.  
18- SABATIENNES, Paul. Pour une histoire de la premiere... Op. cit. PP. 425.  
19- SABATIENNES, Paul. Pour une histoire de la premiere... Op. cit. PP. 427.  
20- Ibid. P. 433.  
21- Ibid. P.434.

۲۲- ادیب در آغاز شعر خود، مدعی می شود که خدا اولین ماسون (بنا) بوده است که جهان را خلق کرده است. وی حتی مدعی می شود که پیامبران الهی نیز مروج مرام فراماسونری بوده اند و حضرت ابراهیم (ع) نیز با بنای کعبه از جمله بناهای آزاد جهان محسوب می شود. وی می افزاید که ائمه شیعه (ع) نیز این آیین را از پیامبر گرامی به ارث برده اند و اساساً واژه اهل البیت (ع) به معنی لژ ماسونی است. نامبرده همچنین مدعی می شود که هفت آیه سوره مبارکه فاتحه الکتاب، در واقع نشان از هفت درجه ماسونی دارد. وی در جای دیگر به آیات قرآنی متوسل می شود و در صدد تشبیه این آیات با اصول ماسونی برمی آید.

۲۴۷

(۲۱) قوله تعالى «فلا أقسم بالخنس الجراد الكنس» علی علیه السلام فرماید که خنس و کنس عبارتست از زحل - مشتری - مریخ - زهره - عطارد - و نگارنده بضمیمه شمس و قمر کنایه یا تشبیه آنها یافته ارکان سبعمه ل: م. م. د انعمته که سیارات فلک بشريت و اساتید سارخانه عدالتند. (۱۷) حرون. سرکش.

- ۲۳- شاه آبادی، حمیدرضا، تاریخ آغازین فراماسونری...، صص ۴-۳۳۰.  
۲۴- راثین، اسماعیل، فراموشخانه و فراماسونری...، ص ۴۵۳.  
25- SABATIENNES, Paul. Pour une histoire de la premiere... Op. cit. PP. 437.  
26- Ibid. P. 438.

۲۷- شاه آبادی، حمیدرضا، همان، ص ۳۰۳.

۲۸- همان، صص ۱-۲۶۰.

۲۹- همان، ص ۳۰۶.

۳۰- همان.

۳۱- همان، ۲۵۹.

۳۲- همان، ۲۶۶.

۳۳- همان، ص ۲۴۱.